

نوشته ی : احمد یاسین « فرخاری »

بازسازی الفبا

آنچه درمبحث « دشواریها و نارساییهای الفبا » خواندیم ، ذکرش مارا وامیدارد که برای زدودن آن دشواریها و نارساییها اندیشه یی بناکنیم و گزیری دریابیم ، تا آنچه از گنجینه ی گرانبهای زبان و ادب که به ما پیوسته ، ازگزند چپاول زمانه برکنارماند .

دران مقال گفته بودیم که علاوه برنشانه های حرکت و سکون - که هم هستند و هم نیستند - ، ما درزبان نوشتاری خویش به چند نشانه ی مصوت دیگر نیز نیاز داریم . آنهایی که در مکالمه و گفتار وجود دارند ؛ اما نشانه یی برای آنها نداریم ، که متأسفانه این خود بزرگترین مشکل و عمده ترین مانع درامر یادگیری آسان است . و همین مشکل با دشواریهای دیگری که همانجا ازان نام بردیم ، دست به دست هم داده و سبب شده است که درکشورما بیشترین تعداد مردم ازنعمت سواد محروم بمانند .

پیش ازین که به ادامه ی بحث کنونی پردازیم ، ناگزیریم نیم نگاهی به کثرت تنوع مصوتهای بلند ، ترکیبات آوایی ، تنوع موارد کاربرد و ... شان بیفکنیم ، تا ازیکسو چهره های این گوناگونی را از نزدیک تماشا کنیم و از سوی دیگر در ارائه ی راههای میانبردی که اگرنشود همه دشواریها را با آن برکنارکرد ، کم ازکم قسمتی ازان را بشود به دیارفراموشی فرستاد ، مارا یاری رساند .

انواع همزه و الف

(همزه و الف) در زبان دری دارای (12) نوع صدا ، سه نشانه و بیشتر از سی نوع موقعیت

میانوندی و پسوندی اند . به شرح زیر :

1 - انواع (الف و همزه) از نظر نوعیت صدا :

صدای (همزه و الف) بنا بر موقعیت کاربرد آن ، چه به صورت مجزا و چه در ترکیب با مصوتهای

دیگر ، وبانظر داشت تلفظ واژه های دخیل ، دارای گونه هایی میشود ، به شرح زیر :

- 1 - (áa) دروازه هایی؛ مانند: áabr، اشك áask و انگور áangour⁽¹⁾.
- 2 - (áe) دروازه هایی؛ مانند: áejàza اجازه، انسان áensàn و احترام áehteràm.
- 3 - (áo) دروازه هایی؛ مانند: áostàd استاد، افتادن áoftàdan و اتو áotu.
- 4 - (áà) (وقتی در آغاز واژه بیاید)، دروازه هایی؛ مانند: آتش áàtaś، آمد áàmاد و آستین áàstein.
- 5 - (à) (وقتی در میان یا پایان واژه بیاید)، دروازه هایی؛ مانند: افسانه áafsàna، شاهین sàhein و تنها tanhà.
- 6 - (áaw) دروازه هایی؛ مانند: اورنگ áawrang، اولاد áawlàd و اوج áawj.
- 7 - (áou) دروازه هایی؛ مانند: او (ضمیر) áou، اولی áoulà و اویغور áouyğour.
- 8 - (áàw) دروازه هایی؛ مانند: آویختن áàweaxtan، آواره áàwàra و آواز áàwàz.
- 9 - (áay) دروازه هایی؛ مانند: ایوان áaywàn، ای (حرف ندا) áay و اییک áaybak.
- 10 - (áei) دروازه هایی؛ مانند: ایمان áeimàn، ایران áeiràn و ایجاب áeijàb.
- 11 - (áày) دروازه هایی؛ مانند: آینه áàyeina، آیش áàyes و آیین áàyein.
- 12 - (áea) دروازه هایی؛ مانند: ایشان áeaśàn، ایلك áealak و ائتلاف áeatelàf.

2- انواع (الف) از نظر موقعیت میانوندی و پسوندی:

(الف) در موقعیتهای میانوندی و پسوندی خویش، به جهت دگرگونیهایی که در ترکیب های مختلف به وجود میاورد، انواع زیادی دارد، که درینجا به منظور کوتاهی سخن، از چند نوع آن صرف نام میبریم.

(1) از دیرباز رسم چنان بوده است، که برای نشان دادن صدای یک حرف - صرف نظر از نوعیت زبان و رسم الخط آن - از حروف فونتیک استفاده میکنند. مثلاً برای نشان دادن صدای حرف (ش)، نشانه ی (ś) را به کار میگیرند و برای نشان دادن فتحه { _ } از نشانه ی (a) استمداد میجویند. پس اگر بخواهیم صداهای موجود در واژه ی (شب) را به روی صفحه ی کاغذ به نمایش بگذاریم، مینویسیم: (śab). درین ردیف فونتیکی، نشانه ی (ś) نماینده ی صدای (ش)، (a) نماینده ی صدای فتحه و (b) نماینده ی صدای (ب) است. همچنین در نمونه های زیر:

1 - جنگ = /j/a/n/g/ « a » نماینده ی صدای فتحه { _ } است.

2 - شکست = /ś/e/k/a/s/t/ « e » نماینده ی صدای کسره { _ } است.

3 - صلح = /s/o/l/h/ « o » نماینده ی صدای ضمه { _ } است؛ اما در جدول فونتیک الفبا و همه کتابهایی که موضوعاتی را با کمک این نشانه ها به تشریح و توضیح گرفته اند، از نشانه ی فونتیک (همزه) خبری نیست و همه جا به تقلید از رسم الخط لاتین، صدای همزه را با نشانه های (a, e, o) به نمایش گرفته اند. به گونه ی مثال:

1 - ابر = /a/b/r/ - 2 انسان = /e/n/s/à/n/ - 3 استاد = /o/s/t/à/d/

درینجا دیده میشود که، نشانه های (a, e, o) نماینده ی صدای (فتحه، کسره و ضمه) و نشانه ی حرکت صدایی است، که باید قبل از آن وجود داشته باشد. پس در صورتی که نماینده ی هیچ صدایی پیش از آن نیامده باشد، این فتحه و کسره و ضمه، نشانه ی حرکت چه چیزی خواهد بود.

بناءً با پیشنهاد نشانه ی (á) برای صدای همزه و به منظور تعدیل در جدول فونتیکی الفبا، میتوان گفت که صورت درست نوشتاری نمونه های بالا و امثال آن، با نشانه های فونتیک، باید چنین باشد:

1 - ابر = /áa/b/r/ - 2 انسان = /áe/n/s/à/n/ - 3 استاد = /áo/s/t/à/d/

(1) میانوند الف : برخی از اقسامش اینهايند :

میانوند دعا

میانوند اشمال و تمامی

میانوند تکرار

میانوند حال

میانوند ردیف

میانوند تلون

میانوند عطف

میانوند زاید و

(2) پسوند الف : انواع زیرین ، از جمله ی (17) نوع آنست :

پسوند ندا

پسوند پاسخ

پسوند اشباع

پسوند کثرت و

انواع (و)

(و) در زبان دری دارای (14) نوع صدا ، دونوع تلفظ ، یک موقعیت میانوندی و یک نشانه است .

به شرح زیر :

1 - انواع (و) از نظر نوعیت صدا :

در زبان دری صدای (و) بنا بر موقعیت کاربرد آن ، چه به صورت مجزا و چه در ترکیب با مصوت‌های

دیگر ، وبانظر داشت تلفظ واژه های دخیل ، دارای گونه هایی میشود ، به شرح زیر :

1 - (wa) در واژه هایی ؛ مانند : ورزش warześ ، وجب wajaab و ورق waraq .

2 - (wu) در واژه هایی ؛ مانند : کاووس kàwus ، طاووس tàwus و سیاووش seyàwus .

3 - (wei) در واژه هایی ؛ مانند : کاویدن kàweidan ، قوی qawei و مولوی mawlawei .

4 - (oà) در واژه هایی ؛ مانند : خواهر xoàhar ، خواست xoàst و خوابیدن xoàbeidan .

5 - (o) در واژه هایی ؛ مانند : خوردن xordan ، خوش xoś و تو to .

6 - (uá) در واژه هایی ؛ مانند : سوء suá و هدوء hodua .

- 7 - (we) دروازه هایی ؛ مانند : دوش dawes ، ورد (دعا) werd و وجدان wejdàn .
- 8 - (wea) دروازه هایی مانند : آویختن àweaxtan ، درویش darweas و آویزه àweaza .
- 9 - (aw) دروازه هایی ؛ مانند : جو jaw ، شوهر sawhar و نو naw .
- 10 - (àw) دروازه هایی ؛ مانند : گاو gaw ، ناو nàw و پاو pàw .
- 11 - (wà) دروازه هایی ؛ مانند : وابسته wàbasta ، واضح wàzeh و وام wàm .
- 12 - (eaw) دروازه هایی ؛ مانند : دیو deaw ، گیو geaw و غریو gereaw .
- 13 - (u) دروازه هایی ؛ مانند : قو qu ، ناموس namus و پویا puyà .
- 14 - (uy) دروازه هایی ؛ مانند : جویبار juybàr ، بویناک buynàk و روی ruy .
- 15 - (oá) دروازه هایی ؛ مانند : مؤذن moáazzen ، مؤدب moáaddab و مؤرخ moáarrex .

2 - موقعیت میانوندی و نشانه ی (و) :

(و) در زبان دری ، صرف یک موقعیت میانوندی دارد ، که درانجا ، نام (میانوند - عطف) را به خود میگیرد . همچنان در جدول الفبای ما برای این همه صداهایی که متعلق به (و) میشود ، متأسفانه همین یک نشانه (و) وجود دارد ، که کمبود گونه های دیگر آن ، گستره ی خوانشی و املائی زبان مارا به ناهنجاری کشانیده است .

انواع (ی)

(ی) در زبان دری دارای (11) نوع صدا ، دونوع تلفظ ، (24) موقعیت پسوندی ، دوموقعیت میانوندی و یک نشانه است . به شرح زیر :

1 - انواع (ی) از نظر نوعیت صدا :

- در زبان دری صدای (ی) بنابر موقعیت کاربرد آن ، چه به صورت مجزا و چه در ترکیب با مصوتتهای دیگر ، و بانظر داشت تلفظ واژه های دخیل ، دارای گونه هایی میشود ، به شرح زیر :
- 1 - (ya) در واژه هایی ؛ مانند : یک yak ، کنایه kenàya و یفتل yaftal .
- 2 - (yu) دروازه هایی ؛ مانند : یوسف yusof ، دریوزه daryuza و یونان yunan .
- 3 - (yei) دروازه هایی ؛ مانند : پاییدن pàyeidan ، آیینه àyeina ، تغییر tağyeir .
- 4 - (yay) دروازه هایی ؛ مانند : بیلاق yaylâq و بیرری yayri .
- 5 - (yaá) دروازه هایی ؛ مانند : یأس yaás و یأجوج yaájuj .
- 6 - (yâ) دروازه هایی ؛ مانند : شی sayâ .

- 7 - (ei) دروازه هایی ؛ مانند : شیر (همان مایع سپید رنگ و نوشیدنی معروف) seir و پیر peir و زندگی zendagei .
- 8 - (ea) دروازه هایی ؛ مانند : شیر (همان حیوان معروف که در جنگل زندگی میکند) sear ، دیر dear و زنبیل zambeal .
- 9 - (ay) دروازه هایی ؛ مانند : ویرانه wayrana ، می may و کیوان kaywàn .
- 10 - (ày) دروازه هایی ؛ مانند : چای cày ، سرای sarày و نای này .
- 11 - (yà) دروازه هایی ؛ مانند : یاقوت yàqut ، سیاست seyàsat و شدیاریar codyàr .

2 - انواع (ی) از نظر موقعیتهای میانوندی و پسوندی :

گفتیم که در زبان دری ، (ی) بیست و چهارموقعیت پسوندی و دو موقعیت میانوندی دارد ، که به منظور اختصار سخن ، درینجا صرف از چندنوع آن نام میبریم و کلیدشرح و بسط مفصل آن را در کف آینده میگذاریم .

1 - یای میانوند : به دو بخش منقسم میگردد :

یای واسطه

یای جمع

2 - یای پسوند : برخی از (24) نوع آن ، اینهايند :

یای مصدری

یای نسبتی

یای لیاقت

یای ضمیر متصل

یای نکره

یای استمرار

یای تمنا

یای شرط و جزا

یای تعظیم

یای وحدت

یای حرفت

یای زمان

با نظرداشت آنچه که خواندیم و خوانده بودیم ، در ذهن ما این پرسش جان میگیرد که : پس چگونه میشود با این همه انواع و اقسام ، دشواریها ، نارساییها ، کاستیها و . . . الفبا کنار آمد ؟ و آیا آنان که « لطف طبع و سخن گفتن دری داند » و آنان که « قند پارسی به بنگاله » میفرستند ، در اندیشه ی خویش گورستانی درسزمین تاریخ سراغ ندارند که بر همه ی این ناهنجاریها نماز گزارند و نیاز گذارند ؟

اینجاست که برای به دست آوردن پاسخ بدین پرسش ، ما بر سردوراهی قرار میگیریم : یا این که همین رسم الخط تاریخی را در بسته یی پیچیده در زباله دان تاریخ بیفکنیم و بجایش الفبای دیگری برگماریم ، و یا این که تعدیلاتی رادر همین الفبای کنونی وارد سازیم . گزینه ی نخست - که تعویض الفبا ی کنونی با الفبایی دیگر باشد - بنا بردلایل زیرین ناممکن به نظر میرسد :

اگر الفبای کنونی را با الفبای دیگری تعویض نماییم ، همه ی پیوندهای علمی ، تحقیقی ، فرهنگی ، ادبی و . . . نسلهای گذشته و آینده کاملاً قطع میگردد ؛ و آنچه از آثار گرانبهایی که با همین زبان شیوا و شیرین و با همین رسم الخط در درازنای قرون و سده ها به رشته ی نگارش درآمده اند ، همه به دست بادهای یغماگرزمان به دیار فراموشی و نیستی سوق داده خواهد شد ، و پاره های برجامانده ، در دل صندوقها و گاوصندوقهای موزیمها خواهد خفت ، که این خود جنایتی است بزرگ در برابر نسلهای آینده و گنجینه ی بزرگی که آن را از پیشینیان خردمند خود به ارث برده ایم .

در جهان کنونی هیچ زبانی وجود ندارد الفبای آن ، همه نیازمندیهای صوتی آن زبان را در دل نشانه های خویش جا داده باشد . باز فرض کنیم که چنین رسم الخطی وجود داشته باشد ، آن رسم الخط بنا به نیازهای همان زبان مربوط به خودش ساخته شده است و نیازهای صوتی زبان مارا هرگز برآورده نخواهد توانست .

باری من خود تجربه ی این بیهده را با استفاده از رسم الخطهای گوناگون زبانهای دیگر به کاربستم ؛ اما نتیجه ی به دست آمده گواه بر این نکته بود ، که با تعویض الفبا نه تنها ناهنجاریهای کنونی کاهش نمی یابد ؛ بلکه حجم آن بیشتر از پیش افزایش مییابد .

زمانی نیز از روی تفنن ، خود دست به ایجاد الفبایی تازه زدم ، که متشکل از 42 حرف ، شامل سه مصوت کوتاه ، شش مصوت بلند و بقیه صامتها بود . هرچند این الفبا میتوانست تا حدی نیازهای آوایی زبان مارا برآورده سازد ؛ اما چنانکه در بالا گذشت تعویض الفبای کنونی ما با الفبایی دیگر - چه نوساخت و چه برگرفته از زبانی دیگر - گناهیست عظیم که هول وبال آن نسل اندر نسل ادامه خواهد یافت .

3. جاگزینی الفبای دیگری به جای کنونی ، نیازمند هزینه های کلان اقتصادی و نیروی بشری است ، تا بشود میلیونها انسان را با الفبای نو آشنا نموده آن را فراگیر ساخت . آیا بهتر نخواهد بود که این همه هزینه های اقتصادی و بشری را به جای صرف درین راه بیهوده ، در زمینه ی نیازمندیهای اساسی ملتها و ملیتهای خویش به کارگیریم ؟

4. علاوه بر آنچه گفتیم ، اگر قرار باشد الفبای دیگری جانشین الفبای کنونی ما گردد ، برای تعمیم و تکامل آن ، نیاز به گذشت دهه ها و سده ها خواهد بود ، تا حد اقل بتواند به پایه ی نفوذ الفبای کنونی ما برسد . پس درینجا به نتیجه میرسیم : گزینه ی نخست - که همان تعویض الفبا باشد - هرگز کارایی ندارد و نمیتوان بدان دل بست . بناءً تنها یک گزینه ی دیگر در برابر خود داریم ، که تعدیل الفباست .

اگر بخواهیم الفبای کنونی خویش را به گونه یی بازسازی کنیم که همه دشواریها و نارساییهای موجود را برکنار سازد ، باید نشانه های جدیدی ، برای نشان دادن مصوتهای کوتاه و چندین نشانه ی دیگر برای مصوتهای بلند - چه به شکل بسیط و چه به شکل مرکب - و نشانه ی دیگری برای نمایش کسره ی اضافه ، در ردیف همین الفبای موجود علاوه کنیم . همچنان لازم میافتد که نشانه های موجود صامتها ، با حذف و پذیرش تعداد دیگری از نشانه ها ، دستخوش تغییری تبدیل گردد ؛ که این کار باز همانند تعویض کامل رسم الخط است و دقیقاً همان معایی را دارد ، که چندی ازان به شمارش رفت .

بناءً با رویگردانی ازین شیوه ، راه میانبردی را باید برگزید که اگر نشود همه کژخوانیها و کژنویسیها را گزبری بخشد ، کم از کم بخش کلانی ازان را برکنار سازد . پس به منظور برآورده شدن این هدف ، میشود نکته های زیرین را به کار بست :

1. هر چند نشانه ی صوتی (ā) را به شکل { آ } در گفتار و نوشتار خود به کار میبریم ؛ اما هنوز آن را رسماً به حیث یک حرف مستقل نمی شناسیم . پس به منظور حل این مشکل و بنا به توصیه ی رساله ی « روش املا ی زبان دری / نشر کرده ی اتحادیه ی نویسندگان افغانستان » - که در تهیه و تدوین آن نخبه ترین دانشمندان همین عرصه اشتراک داشته اند ، باید نشانه ی { آ } را به حیث نخستین حرف در جدول الفبای خویش علاوه نموده و آن را بپذیریم .

2. اگرچه همزه (به شکل عربی آن { ء }) در واژه های خاص زبان ما کاربرد ندارد ؛ اما از آنجا که بسیاری از واژه های همزه دار عربی مورد داد و ستد کتبی و شفاهی زبان ما قرار میگیرد ، بناءً بهتر است به منظور جواز بخشیدن به کاربرد آن و به هدف حل واژه های عربی در زبان خودما ، آن را به رسمیت بشناسیم و برایش اجازه نامه ی اقامت دایم در سرزمین رسم الخط باستانی خویش صادر نماییم ، که جایگاهش همان میانه ی حرف { هـ } و حرف { ی } خواهد بود .

3. و اما مهمترین و اساسی ترین نشانه یی که میتواند قسمت اعظم دشواریهای خوانشی ، نوشتاری و ناهمگونیهای املائی ما را برکنار سازد ، علاوه نمودن یک نشانه ی دیگر برای مصوت (yea) است ؛ که نشانه ی آن میتواند همان شکل { ی } با اضافه ی دونقطه ی روی هم در پایین آن باشد { ی̇ } .

این نشانه بر علاوه ی این که میتواند بسیاری از ناهمگونیها ، اشتباهات و ناهنجاریهای املائی را برطرف کند ، خوانش بسیاری از واژه هارا آسان میسازد . به ویژه نوآغازان مجبور نخواهند بود ، چهره های

نوشتاری و دستورهای گوناگون و ناهمگون را به حافظه بسپارند . در نتیجه جریان آموزش و فراگیری سواد سرعت قابل ملاحظه‌ی خواهد یافت .

از جمله مواردی که این نشانه { ڤ } میتواند مارا یاری رساند ؛ چند گونه‌ی مختصر آن ، چنین خواهد بود :

□ به کارگرفتن این نشانه به منظور ایجاد سهولت در خوانش واژه‌هایی که با « یای نکره » پایان می‌پذیرند ؛ مانند : تنې چندازیاران . . . و پهلوانانې از تبار رستم و . . .

□

□ این نشانه میتواند خوانش واژه‌هایی را که با یای وحدت پایان یافته‌اند ، آسان سازد ؛ همچون : کتابې به من بخشید و لزدې را بگرفتند .

□ در خوانش برخی از نامها میتواند سادگی به بار آورد ؛ مانند : بېل ، سپب ، پنبېر

□ در تفکیک بسیاری از واژه‌های همگون میتواند ایجاد سهولت نماید ؛ چون :

شېر (حیوان) و شیر (نوشیدنی)

زېر (پایین) و زیر (آواز باریک)

سېر (پرواگنده) سیر (سبزی) و . . .

□ این نشانه میتواند از ناهمگونی شیوه‌ی نوشتن کسره‌ی اضافه جلوگیری نموده و نه تنها در همین

مورد که در بسا موارد دیگر وحدت املائی ایجاد نماید ؛ به ویژه که این نشانه نماینده‌ی دقیق و درست

همان صدایی خواهد بود ، که در مورد کسره‌ی اضافه به کارگرفته میشود ؛ مانند خانه ڤ خدا (xàna-

yea-xodà) ، که پس از ایجاد وحدت املائی ، دیگر کسی آن را به گونه‌های زیرین نخواهد نوشت :

خانه ای خدا

خانه خدا

خانهٔ خدا

و یا آن چنان که برخی از غلط نویسان ازین هم فراتر میروند و مینویسند :

خانه یی خدا

و

خانی خدا

به جز از آنچه بر شمردیم ، در موارد دیگری نیز میشود این نشانه را به کار بست ، که از ذکر جداگانه‌ی هریک آن می‌پرهیزیم .

سخن کوتاه ، که با همین تعدیل و بازسازی کوچک الفبا ، بخش بزرگی از دشواریها ، پراگندگیها و

ناهمگونیهای عرصه‌ی خوانش ، نوشتار و املائی زبان ما برطرف میگردد . بدین ترتیب الفبای تعدیل شده

ی ما با داشتن (35) حرف ، چنین شکلی را دارا خواهد بود :

آ ا ب پ ت ث

ج چ ح خ د ذ ر ز ژ

س ش ص ض ط ظ ع غ ف ق

ک ک ل م ن و ه ء ی ی

اکنون که تراش پیکر الفبا را با تیشه ی اندیشه به سررسانیدیم ، تأکید برین نکته لازمی خواهد بود که تعدیل و بازسازی الفبا نه کاریست زشت و نه پنداریست ناستوده . ای بسا زبانهایی که پیش از گماشتن این رسم الخط برای نبشتار خود ، الفبای ویژه ی خود را داشتند ؛ اما پس از کاربرد این الفبا ، تعدیلاتی را بران روا داشته و درکاستن و افزودن حروف ، بنا بر نیازهای خویش ، دست به خامه و نامه بردند . چنان که بزرگان ما نیز در آغاز ، چهارحرف ویژه ی زبان ما - « پ ، چ ، ژ ، گ » - را بران افزوده اند .

دو دیگر آن که تعدیل و بازسازی و دخل و تصرف در الفبا کار یک شخص و یک گروه نیست ؛ و هیچ آدم عاقلی هم درینگونه موارد ، پذیرشگردستورهای فردی نخواهد و نباید بود . پس راه صواب آنست که جمعی از دانشمندان گستره ی زبانشناسی و ادبشناسی گردهم آیند و بگومگوهای خویش را نه تنها بر بنای بازسازی الفبا پی ریزند ، که ده ها مورد ناهمگونی و پراگندگی دیگر را برپایه ی پژوهشهای علمی و اکادمیک زیر غور و بررسی قرار داده ، راههای بیرون رفت ازین تنگنا ها را در دستورنامه هایی بنمایند .

بازهم گفتنی است ، که به هم شدن چند دانشور و دانش پژوه و دانشمند از یک گوشه ی دنیای کلان دری گوین و پارسی نگاران ، کاری را نتواند به پیش برد ؛ جز آن که دانشمندانی به نمایندگی از همین دهلیز فرهنگی - ادبی موجود « افغانستان ، ایران و تاجکستان » با همدیگر به گفتگو بنشینند و روش یگانه یی را در برابر آنچه گفتیم برگزیده و به ما بسپرنند . پس ازان سالهای بسیاری را باید به انتظارنشست ، که این دستورها و رهنمودها از راه جاگزینی دربرنامه های آموزشی درسگاهها ، رعایت دقیق آن در گستره ی روزنامه نگاری و بالاخر پخش و نشر پیگیرانه ی آن به وسیله ی رسانه های گروهی ، جا افتد و فراگیر شود .